



رونق اقتصادی در دو راهی افزایش نرخ ارز یا بهره‌وری؟!

در چند سال اخیر، اقتصاد کشور دچار رکود تورمی بوده است. دولت یازدهم با در اختیار گرفتن سکان اجرایی کشور، تنها یک راه داشت...

در چند سال اخیر، اقتصاد کشور دچار رکود تورمی بوده است. دولت یازدهم با در اختیار گرفتن سکان اجرایی کشور، تنها یک راه داشت؛ یا باید رکود را از بین می برد و یا تورم را کاهش می داد. دولت یازدهم کاهش تورم را برگزید و در دوران چهار ساله خود تلاش کرد تا نرخ تورم را کاهش دهد و در این امر نیز موفق بود. حال باید دولت دوازدهم به سوی رونق اقتصاد گام‌هایی بردارد و برای این منظور دو راه پیش روی دارد که این دو راه دارای پیامدهایی هستند. یک راه می تواند باعث افزایش نرخ تورم شود و آن را در بازه دو رقمی قرار دهد و راه دیگر زمان بر است؛ اما با افزایش نرخ تورم همراه نخواهد بود. در ادامه به این دو راه و پیامدهای آن‌ها اشاره می شود.

به گزارش تابناک اقتصادی، حسن روحانی در حالی دولت را تحویل گرفت که اقتصاد کشور دچار رکود تورمی شده بود؛ یعنی در حالی که چرخ‌های تولید متوقف شده بود قیمت‌ها نیز در حال افزایش بود. دولت یازدهم برای مقابله با این موضوع تنها یک راه داشت یا باید به سراغ مقابله با رکود می رفت که این باعث افزایش نرخ تورم و قرار گرفتن آن در بازه بسیار خطرناکی می شد و یا باید کاهش تورم را انتخاب می کرد که این می توانست شرایط رکودی را تشدید کند. دولت راه دوم، یعنی کاهش نرخ تورم را انتخاب نمود و در تمام دوران چهار ساله خود سعی نمود تا تورم را کاهش دهد و در این امر نیز موفق بود. کاهش نرخ تورم باعث شد تا رکود اقتصادی عمیق تر شود. با آغاز دولت دوازدهم، باید حسن روحانی و تیم اقتصادی‌اش ب فکر ایجاد رونق باشند؛ رونقی که می تواند از دو روش حاصل شود. روش نخست افزایش نرخ ارز، که این روش می تواند با خود افزایش نرخ تورم را به همراه داشته باشد و آن را به بازه دو رقمی بازگرداند. روش دوم، افزایش میزان بهره‌وری که این روش زمان بر است، ولی می تواند رونق را بدون افزایش تورم به وجود آورد و در مسیر اصلاح اقتصاد قدم بردارد.

اما روش اول چگونه می تواند منجر به رونق اقتصادی شود؟ با افزایش نرخ ارز، قیمت کالاهای خارجی افزایش می‌دهد؛ بنابراین اولین اثر مثبت این اقدام به $zwnj\&$ صورت کاهش مصرف کالاهای وارداتی و قاچاق کالا نمایان می‌شود. همچنین با افزایش نرخ ارز کالاهای ایرانی برای مصرف $zwnj\&$ کنندگان خارجی ارزان $zwnj\&$ تر می‌شوند و صادرات گسترش می‌دهد. به عبارت دیگر با کاهش ارزش پول ملی، تقاضا برای کالاهای وارداتی افت می‌دهد و تقاضای داخلی و خارجی برای کالاهای ایرانی رونق می‌دهد؛ بنابراین افت ارزش پول ملی اثرات مثبتی به $zwnj\&$ صورت رونق تولید و مصرف کالاهای داخلی به همراه دارد، اما این آثار به سرعت آشکار نمی‌شوند و برای مشاهده آن‌ها باید قدری صبور بود. از آثار منفی این روش همان گونه که عنوان شد می‌توان به افزایش نرخ تورم و قرار گرفتن آن در بازه دو رقمی اشاره نمود. افزایش نرخ ارز باعث می‌شود تا اولاً نهاده‌های مورد نیاز برای تولید برخی کالاها برای تولیدکنندگان گران تمام شود و این خود باعث می‌شود تا هزینه تولید کالا و متعاقب آن قیمت کالا افزایش یابد و ثانیاً این روش باعث افزایش قیمت کالاهای خارجی مصرفی و متعاقب آن افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود؛ بنابراین، افزایش نرخ ارز از دو کانال می‌تواند باعث افزایش نرخ تورم شود. البته شایان ذکر است که تأثیرگذاری افزایش نرخ ارز بر نرخ تورم بستگی به شرایط داخلی اقتصاد نیز دارد. به عنوان مثال در دوره $zwnj\&$ هایی که انتظارات تورمی به خوبی تثبیت شده $zwnj\&$ اند، تأثیرپذیری تورم از نرخ ارز بسیار محدود است.

روش دوم ایجاد رونق از طریق افزایش میزان بهره‌وری است. بهره‌وری عبارت است از به حداکثر رساندن استفاده از منابع، نیروی انسانی، سرمایه، مواد خام تولیدی و زمان به شیوه‌ای عملی و با کاهش هزینه‌های تولید به منظور گسترش بازار، افزایش اشتغال، کوشش برای افزایش دستمزدهای واقعی و بهبود معیارهای زندگی به گونه‌ای که به نفع کارکنان، مدیران و مصرف‌کنندگان باشد. هر واحد تولیدی که دارای نیروی کار بهره‌ورتری باشد، از ارزش بالاتری برخوردار خواهد بود و در نتیجه، کسب و کارش رونق بیشتری خواهد یافت. رونق واحدهای تولیدی نیز در مجموع باعث

رونق اقتصادی خواهند شد. این روش مقداری زمان بر خواهد بود، ولی ایراد روش اول که افزایش نرخ تورم بود را نخواهد داشت.

از دو روش فوق احتمالاً دولت روش اول را انتخاب خواهد کرد. همان گونه که عنوان شد این روش افزایش نرخ تورم را با خود به همراه خواهد داشت و تأثیری به آن صورت روی کلان اقتصاد نخواهد گذاشت و تنها به صورت مُسکنی باعث برطرف کردن مشکل فعلی اقتصاد خواهد شد.